

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۴ خرداد ۹۸

سلام بر شبی که نامش غربت است. حکایتش جان عالم را به سخن در می‌آورد. می‌خواهد از شب قدری بگوید که در خود گوهری را پنهان نمود. فرشتگان قدر بر بالینی حاضر شده‌اند که صدایش آرام آرام به سکوتی ابدی تبدیل می‌شود.

(مولا زمزمه می‌کند): یا رب، مقدرات علی را چه زیبا نگاشتی. همگان مژده‌ی سحر امشب را در وعده‌ات می‌جویند و من در دیدارت، (با این آخرین توشه می‌آیم).

وای بر زمینی که از یا رب یا ربش جدا می‌شود. او را به سرزمینی می‌آورند که توان نگهداری این گنجینه‌ی الهی را دارد.

شب دوم قدر است، ساعاتش غمگین‌ترین لحظه‌ها را می‌گذراند. پروردگار به بندگانش وعده داده که قدرش با هزار ماه برابر است. کدام ماه؟ آیا منظور ماه‌های زمینی است. ماه‌هایی که هر کدام با رنگ و بویی می‌آید و می‌رود تا عمری در شمارشش رقم بخورد. چگونه قادر است تا این راز را بگشاید. کدام جان با سرعتش همراه می‌شود. آیا تاکنون اندیشیدی که تو در جانت امانتی داری. این امانت با شکوه اگر در فرمان قدر قرار بگیرد سرعتش با انوار نزول قرآن کریم همراه می‌شود. بر جانش بارانی از نور می‌بارد. وعده‌های شیرین قرآن به عمرش برکت می‌بخشد. عمر می‌شود عمر نوح نبی (س)، در ظاهر توان درکش را ندارد چون با اجلش همراه می‌شود.

او را بشارت می‌دهند. اینک تو مصداق آن آیه‌ای که فرمود یک روز در مقابل ۵۰ هزار سال و این همان یک روز است که نامش شب قدر است. به دنبالش در نهان قلبت باش. چه می‌گویی. از کدام آتش پناه می‌جویی. آتشی که هیزمش امیال نفسانی خودت می‌باشد. او را با نسیم رحمت الهی خاموش کن. پروردگار برایت نعمت‌های بهشت را آماده نموده. از آتش هوی و هوست جانت را برهان تا یا رب را ببینی. جمال پروردگارت همان‌گونه که خود فرموده با قلبی سلیم و پاک قابل دیدن است. اگر شعاع عشقش را یافتی (تو) به وعده‌ی قدر رسیده‌ای. عشقی که جز حق ضامنی ندارد.

اینک سینهات را باز کن چه اندازه قدر در آن جای دارد. مراقب باش این محاسبه با قلم فرشتگان قدر قابل رؤیت است زیرا تو امت جاء الحق هستی. تو را با پیشوایت می‌شناسند و او تو را موعظه می‌کند. نعمت‌هایت را رها نکن. تو توان نگهداری‌اش را داری. در حق همان. به طرف باطل جانت نرو. او نفسی است که جز نفرت آثار دیگری بر جای نمی‌گذارد.

امشب بیعتت را با حق به امضای مأموران الهی برسان تا طعم رمضان در ذائقهات مانند غسل مصفا جاودان باقی بماند. با او به زبان دلت سخن بگو. ای جانشین پیامبرم تو را با کدام دعا جست‌وجو کنم. خودت به فریادم برس. من در دام نفسم افتاده‌ام. مرا از این دام برهان تا قوت جانم را بیابم.

امشب زمین عزادار سیف الله است. پس به زمین جانم نظر کن تا با هر ضربه‌ای که به سینه می‌زند به علی اعلیٰ برسد نامش را بخواند برای گشایش غیبی که در آن جز حق حکومت نمی‌کند و او در این شب با شکوه با سینه‌ای هجران کشیده می‌خواندش:

اللهم عجل لولیک الفرج